

## قرارداد ۱۹۳۳: آقای کدمن، تیمور تاش و دیگران

نوشته دکتر پرویز ورجاوند

گفتار پیش در مجموع به موضوع تمدید قرارداد داری در سال ۱۳۱۲، در دوران رضاشاه مربوط می‌شد و محور گفتار بر این بود که براساس سخنان تنی چند از وکلای مجلس، تقی‌زاده ناگزیر شد تا بعد از سال‌ها دهان بگشاید و نکاتی را بر زبان بیاورد که در آن شرایط، برای مخالفان قرارداد در راستای نشان دادن جنبه‌های تحمیلی قرارداد از اهمیت خاصی برخوردار بود. در فاصله چاپ آن مطالب و مطلب حاضر، کتاب جالبی از سوی اداره کل آرشو، اسناد و موزه دفتر رییس‌جمهور انتشار یافت و به دستم رسید که از اهمیت خاصی برخوردار است.

کتاب مذکور «نفت در دوره رضاشاه - تجدیدنظر در امتیازنامه داری (قرارداد ۱۹۳۳)» نام دارد. کتاب حاوی ۱۳۰ سند از اسناد وزارت دربار دوران رضاشاه است. این مجموعه از جهات مختلف می‌تواند مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار بگیرد و بسیاری از ناشناخته‌های مربوط به جریان‌های سیاسی و مرموزی را که منجر به تمدید قرارداد داری می‌شود تا حدی روشن سازد. امید می‌رود که اسناد دیگر موجود در آرشو مورد اشاره نیز به زودی منتشر شود تا بتوان آگاهی‌های جامع‌تری را به دست داد.

با توجه به مقدمه بالا لازم می‌دانم با اشاره به برخی از نکات این اسناد یادآور شوم برخلاف آنچه که بسیاری از نوشته‌ها در این باره اشاره دارند، ماجرای لغو قرارداد و بستن قرارداد جدید پدیده‌ای یکباره و غافلگیرکننده نبوده، بلکه بین زمان نخستین مکاتبات تا زمان بستن قرارداد سال‌ها فاصله بوده است. به یک اعتبار، باید آغاز ماجرا را به دوران

دولت مشیزالدوله مربوط دانست که با پادرمیانی «آرمیتاز اسمیت» مستشار مالی دولت ایران، برای مدتی با تغییراتی چند با شرکت نفت به توافق رسیدند. ولی نخستین مکاتبات رسمی میان ایران و شرکت نفت در اعتراض به مواد قرارداد و بستن قرارداد جدید با شرایط نوین به سال ۱۳۰۷ خورشیدی مربوط می‌شود که مدت پنج سال به طور مستمر پی جسته می‌شود. در تمامی این سال‌ها شخصیت محوری برای انجام مذاکرات حضوری و مکاتبه با مقام‌های شرکت نفت چهره پُر راز و رمز زمان، یعنی تیمور تاش وزیر قدرتمند دربار رضاشاه است. او چنانکه در آینده اشاره خواهیم کرد، در تمامی زمینه‌ها و حتی مسایل فنی، چون امر نقشه‌برداری از منطقه‌ها و یا نصب دستگاه زلزله‌سنج با مقام‌های شرکت نفت، طرف گفت و شنود است و هرکاری در حوزه فعالیت‌های شرکت نفت می‌بایست با آگاهی، موافقت و دستور او به مورد اجرا گذارده شود.

از مجموع سندهای انتشار یافته می‌توان چنین برداشت کرد که نیت اصلی در جهت تأمین هرچه بیشتر منافع ایران بوده و این تلاش از موضع ضعف انجام نشده است. به نحوی که ضمن رعایت تعارفات معمول در عرف دیپلماتیک و سیاسی، موضع ایران با قاطعیت اعلام شده است. نکته دیگر این‌که برخی از شخصیت‌های سیاسی ایران، از جمله نماینده ایران در لندن و سفیران ایران در لندن، پاریس و واشنگتن، نسبت به موضوع حساس بوده‌اند و می‌کوشیدند اطلاعات لازم را در زمینه‌های مختلف جمع‌آوری کنند و در اختیار قرار دهند. پاسخ‌های تیمور تاش در موارد مختلف در مجموع آگاهانه است، ولی روشن نیست که او با چه کسانی مشورت می‌کرده و کمیته یا گروه کارشناسی ایران را چه کسانی تشکیل

می‌داده‌اند. آیا در وزارت مالیه بوده‌اند یا در وزارت خارجه و یا در وزارت دربار. در بین این سندها جز در چند مورد که با نامه‌هایی از وزارت فوائد عامه، مالیه و وزارت امور خارجه برخورد می‌کنیم، شاهد هیچ گزارش کارشناسی جامعی نیستیم. با این همه احساس می‌شود که موضع‌گیری‌ها نه فقط ناآگاهانه نبوده بلکه حکایت از شناخت راجع به موضع دارد.

شخص رضاشاه، در آغاز درگیری، با قاطعیت با موضوع برخورد می‌کند و به انگلیس‌ها توجه می‌دهد که قرارداد را به سود ایران نمی‌داند و بر آن است که آن را تغییر اساسی بدهد. چنانکه «... در موقع افتتاح جاده تهران - خرم‌آباد - اندیمشک و بازدید از تأسیسات شرکت، پیامی به هیأت مدیره شرکت فرستاد که دولت ایران نمی‌تواند محروم از درآمد سرشار خود بوده و شاهد چپاول آن توسط بیگانگان باشد.» (۱) لحن رضاشاه سبب شد تا «کلایو» وزیر مختار انگلیس در تهران، در زمستان همان سال با رضاشاه دیدار کند، رضاشاه در این دیدار خواستار تجدیدنظر در امتیاز داری و انطباق آن با شرایط جدید می‌شود. (۲)

با گزارش نظریات رضاشاه به لندن، «کدمن» رییس هیأت مدیره شرکت نفت انگلیس در اسفند ۱۳۰۷ به تهران می‌آید و با نصرت‌الدوله فیروز وزیر مالیه، علی‌اکبر داور وزیر عدلیه و تیمور تاش وزیر دربار (سه شخصیت عمده دوران رضاشاه) گفتگو می‌کند و بر آن می‌شود تا با دادن امتیازهایی به دولت ایران، قرارداد جدیدی را ببندد و آرامش را بر روابط دو کشور و شرکت نفت برگرداند. او در جریان گفتگوها «از حق انحصاری شرکت در کشیدن خطوط لوله به خلیج فارس چشم‌پوشی کرد و حوزه عملیات شرکت را به صد هزار

مایل مربع کاهش داد» (۳) ولی در مورد تغییر مواد قرارداد به شرط آن که ۳۰ سال به مدت قرارداد پس از پایان امتیاز داری در ۱۹۶۱ افزوده شود، اظهار آمادگی کرد که درآمد ایران از منافع ناخالص به میزان ۲۰ درصد افزایش یابد. ولی مقام‌های ایرانی بر رقم ۲۵ درصد منافع ناخالص به اضافه داشتن دو مدیر در هیأت مدیره شرکت پافشاری می‌کردند. در نتیجه، مذاکرات مزبور به جایی نرسید. براساس اسناد انتشار یافته درمی‌یابیم که اولین مذاکرات میان تیمور تاش و «کدمن» رییس هیأت مدیره در لوزان و بعد در لندن انجام شده است. در سند شماره ۱۷، تیمور تاش در نامه‌ای مفصل نظریات ایران را به «کدمن» در پی دو جلسه مذاکره گذشته اعلام می‌کند و یادآور می‌شود که: «... مسأله تمدید امتیازنامه و طرح جناب عالی کاملاً برایم روشن نشده است، بهتر می‌دانم الان در مورد آن چیزی نگویم و ترجیحاً منتظر اظهارات شفاهی شما هستم... شکی نیست که امتیازنامه‌ای در کار است که موجودیت درخت فرضی را تضمین می‌کند، اما صادقانه عرض می‌کنم و آن این‌که آیا امتیازنامه مذکور در ساخت فعلی خود استحکام فکری دارد و آیا با سهولت به کار بسته می‌شود؟ مسلماً نه... افکار عمومی بر این حقیقت ناظر است که منافع ایران تحت تأثیر مفاد فعلی امتیازنامه دستخوش ضرر و زیان است و رونق شرکت به جای این‌که در این راستا رضایت عموم را جلب کند، برعکس احساسی از کینه به خاطر خدشه‌ای که بر منافع حقیقت یا ظاهری‌شان وارد گشته در مردم بصری‌انگیزد... پس دوست گرامی حق‌المقدور پیشنهادات ما را که چندان هم

بلندپروازانه نیستند پذیرا شوید...». تیمور تاش در این نامه شرط اول دستیابی به تفاهم را پرداخت ۵۰۰/۰۰۰ لیره استرلینگ بابت تسویه مطالبات دولت ایران ذکر کرده و همچنین از «کدمن» خواسته است تا در مورد زدن چاه‌های نفت در دو سوی مرز ایران و عراق رعایت دقیق فاصله را بکنند تا نفت ایران به سوی چاه‌های عراق نشت نکند.

در این مجموعه اسناد، سندی به چاپ رسیده که عبارت است از گزارش سفارت ایران در واشنگتن. داود مفتاح وزیر مختار ایران در آمریکا طی نامه‌ای درباره سفر «سرجان کدمن» رییس شرکت نفت ایران و انگلیس به آمریکا و مذاکره با کمپانی‌های بزرگ آن کشور در جهت رفع اختلافات و کاهش رقابت‌ها، گزارش مظفر فیروز یکی از اعضای سفارت را به پیوست برای وزارت امور خارجه می‌فرستد. مظفر فیروز در این گزارش به نکاتی از سخنرانی «کدمن» در کنفرانس نفت شیکاگو اشاره دارد و در ضمن آورده است که با خود «کدمن» نیز گفت و شنود کرده است. مظفر فیروز در بخش‌های مختلف این گزارش به نکاتی چند چنین اشاره دارد:

«... نظر «سرجان کدمن» این است که با آمریکایی‌ها ترتیبی داده شود که بازار نفت دنیا را تقسیم کنند تا مضرات رقابت و بیم تصورات دیگر مرتفع گردد و همچنین استخراج نفت را محدود کنند... اولاً انگلیسی‌ها از جدیت و تولید فوق‌العاده آمریکا ترسناک شده می‌خواهند ترتیبی به آنها دهند که بازار نفت دنیا را تقسیم کنند... ثانیاً در توسعه دادن نفت عراق سهیم هستند و موافق اظهار «سرجان کدمن» که در نطق خود ایراد کرد، تا چهار الی پنج سال دیگر چند میلیون تن نفت

در سال در عراق استخراج خواهد گردید. رابعاً از این‌که آمریکایی‌ها در کمپانی نفت عراق که تشکیل داده شده ذینفع هستند، امیدوار هستند در سایر مسایل فنی مابین نفتی نیز، از قبیل تقسیم بازار دنیا و غیره توافق نظر حاصل کنند... از طرف دیگر چون مملکت عراق در اختیار و تصرف خود آنها می‌باشد، شاید این طور مصلحت دانستند که سرمایه و ابتکاری که برای استخراج و تولید نفت در آتیه به کار برده می‌شود، در مملکتی باشد که در تحت سلطه خود آنها واقع شده باشد.» [سند شماره ۲۰/۱]

نکته قابل توجه در مجموعه سندها آن‌که شماری از مقام‌های ایرانی بدون آن‌که دولت و مقامی از آنها خواسته باشد خود به اعتبار موقعیت خویش درباره موضوع قرارداد و تمدید آن به اظهار نظر می‌پردازند. از جمله علاء سفیر ایران در پاریس با بهره گرفتن از دو کارشناس معتبر از جمله «کلاب» آمریکایی که مدتی نیز در استخدام ایران بوده، نکاتی را به تیمور تاش گوشزد می‌کند. تاریخ‌نامه او ۱۵ مرداد ۱۳۰۸ خورشیدی است. در این نامه علاء یادآور شده است که: «... منافع ایران به حد کفایت در ماده هشت تأمین نشده، در مقابل تمدید مدت امتیاز که برای کمپانی فوق‌العاده ذی‌قیمت است، لازم بود لااقل مانند کمپانی نفت ترکی نسبت به دولت عراق، کمپانی نفت انگلیس در ایران با ما معامله می‌کرد. یعنی مقتضی بود تعهد نماید که در بدو امر از قرار تنی ۴ شلینگ، نه دو شلینگ حقوق دولت را بپردازد. خواهید فرمود که اضافه بر تنی ۲ شلینگ، کمپانی سهامی هم به دولت ایران خواهد داد. به موجب حساب مستر کلاب و خود آن

INTERNATIONAL COURIER SERVICE

شرکت حمل و نقل بین المللی آرامکس



با پانزده سال سابقه در خشان  
حمل و نقل بین المللی هوایی در جهان

آرامکس  
ARAMEX  
It's A Small World

آدرس: خیابان فلسطین، پایین تر از میدان فلسطین، شماره ۱۵۱

تلفن: ۰۳۹۴۰۶۴۰، ۱۴-۶۴۹۳۹۱۳ فاکس: ۶۴۰۴۳۹۶ صندوق پستی: ۱۱۹۱-۱۴۱۵۵ تهران - ایران

151, Felestin Ave., P.O.Box: 14155 - 1191 Tehran - IRAN, Tel: 6493913-14, 6403940 Fax: 6404396 E.MAIL: ARAMEX @ W W W.DCI. CO.IR

شرکت، باز تنی ۲ شلینگ کم است و نسبت به معامله‌ای که با عراق می‌کنند، بایستی لااقل تنی ۳ شلینگ به ما بدهند...

نکته برجسته راپرت مشارالیه [کارشناس دوم] مشعر بر این است که نمایندگان ایران در هیأت مدیره هر قدر مایل باشند اگر حق وتو نداشته باشند، وجود و حضور آنها مضمثر نخواهد بود. نمایندگان دولت انگلیس این حق را دارند، چرا ایران که نطف مال او است و بیش از همه کس ذی‌مدخل است این امتیاز را نداشته باشد؟

به طور کلی عقیده اهل بصیرت این است که چون عمل نطف در ایران تازه روبه ترقی می‌رود و در سنوات آینده اهمیت آن خیلی بالا خواهد رفت، موقع آن نرسیده که دولت بر مدت امتیاز بیفزاید... [حسین علاء]، (سند شماره ۴۱).

می‌بینیم که چه از نظر قیمت و چه نقش داشتن در کار اداره مدیریت و چه از نظر بررسی موقعیت درباره افزودن بر مدت قرارداد، اظهارنظرهای روشن و محکمی شده که حکایت از شناخت موضوع و دقت نظر کارشناسان دارد. چنانکه یادآور شدیم هیچ سندی وجود ندارد که از سفیر ایران در فرانسه خواسته شده باشد تا موضوع را با کارشناسان در میان بگذارد، بلکه این شخص سفیر است که به خود اجازه داده تا در قبال یک مسأله بسیار مهم ملی، دولت را از نظر کارشناسان خُبره آگاه بسازد. به نظر نمی‌رسد که تیمور تاش و شخص شاه از این اظهارنظرها ناراضی بوده و پاسخ سرد و منفی به آنها داده باشند.

سند شماره ۴۳ که در ۲۰ اوت ۱۹۲۹ برابر با ۲۹ مرداد ۱۳۰۸ نوشته شده عبارت است از نامه «سرجان کدمن» به تیمور تاش درباره اعزام نماینده انگلیس به ایران برای مذاکره و بررسی موارد اختلاف بین دولت ایران و شرکت نفت. نکته قابل اهمیت در این نامه اشاره صریح رییس هیأت مدیره شرکت نفت است درباره سوءظن موجود در ایران نسبت به شرکت نفت و کوشش او برای از میان بردن این سوءظن. در نامه او چنین آمده است:

«... تصور شما نسبت به اعضای انگلیسی

شرکت مذکور [شرکت نفت ایران و انگلیس] یا این است که آنها را در موقعیت کنونی ایران دارای نقش فعال می‌دانید و یا احتمالاً موضع آنها را نسبت به اعلی حضرت و دولتشان کاملاً دوستانه و هوادارانه نمی‌بینند... جناب آقای تیمور تاش، باور داشته باشید که اعلی حضرت شاه ایران و جناب عالی دوستان فراوانی نزد ما دارید. توصیه جدی بنده به شما این است تا جایی که امکان دارد افکار مخالف را از ذهن خود دور نگه دارید. این افکار صرفاً جو بی‌اعتمادی و سوءظن را در روابط ما ایجاد می‌کنند که مطمئناً کاملاً بی‌اساس و بی‌مورد هستند...»

## اسنادی که اخیراً از سوی «اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر رییس جمهور» انتشار یافته نشان می‌دهد مذاکرات برای تغییر قرارداد داریسی حداقل از ۱۳۰۷ آغاز شده بود

در تاریخ ۱۳۰۸/۶/۳۰ تقی‌زاده سفیر ایران در لندن، نامه میرزا عیسی‌خان فیض نماینده ایران در شرکت نفت ایران و انگلیس در لندن را در زمینه اظهار نظر او درباره جنبه‌های منفی قرارداد «آرمیتاز اسمیت» و کاسته شدن از میزان ۱۶ درصد قرارداد داریسی و این‌که نباید به تمدید قرارداد تن داد، برای وزارت امور خارجه می‌فرستد و وزارت خارجه در جواب

میرزا عیسی‌خان فیض را به تهران احضار می‌کند تا از نزدیک مطالبی را که در تلگراف نمی‌توان طرح کرد با او در میان بگذارند و از سوی دیگر در جریان مذاکره با «پرن» وجود او را ضروری می‌دانند. (سند ۵۰ و ۵۰/۱). سند شماره ۵۲ که مربوط است به نامه تقی‌زاده سفیر ایران در لندن از جهاتی حائز اهمیت است. زیرا تقی‌زاده در این نامه به روشنی نظرش را دایر بر مخالفت یا تمدید قرارداد، اعلام کرده است. تقی‌زاده در این نامه که خطاب آن به «وزارت جلیله دربار پهلوی» است و نه شخص تیمور تاش، کوشیده تا وضع خودش را در جریان مذاکرات مربوط به شرکت نفت روشن کند. او خواسته است که اگر به عنوان نماینده دولت ایران باید در مذاکرات همراه با کمیسر دولتی [میرزا عیسی‌خان] شرکت کند، ایجاب می‌کند این امر طی نامه رسمی به او ابلاغ بشود. او در پایان نامه نظرش را درباره تمدید قرارداد این چنین بیان می‌کند:

«اینجانب بر حسب تکلیف سابقاً در کاغذ خصوصی به حضرت اشرف عالی عقیده خود را در اساس این کار عرض کردم و حالا نیز لازم می‌دانم تکرار کنم که به عقیده این جانب صلاح دولت در آن است که در صورت امکان فعلاً به تجدید امتیاز اقدام نفرمایند، چه زمان برای ما کار می‌کند و هرچه قوام داخلی و قدرت ایران بیشتر و اجل امتیاز نزدیک‌تر شود، مقاصد ایران بهتر پیشرفت خواهد کرد...» (به تاریخ ۱۳۰۸/۷/۸)

این نوشته با آنچه که تقی‌زاده بعدها در مجلس بیان کرد همخوانی دارد. به بیان دیگر می‌توان گفته او را باور داشت که نه او و نه سه وزیر دیگر براساس باور و قبول و تصمیم خود امضایشان را پای تمدید قرارداد نگذاشته‌اند.

زیرنویس:

۱- نفت در دوره رضاشاه - اسنادی از تجدیدنظر در امتیازنامه داریسی (قرارداد ۱۹۳۳) از انتشارات اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر رییس جمهور - تهران ۱۳۷۸.

۲- تاریخ روابط ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، علی‌اصغر زرگر، ترجمه کاوه بیات ۱۳۷۲، ص ۲۹۰.

۳- نفت در دوره رضاشاه، ص هفت.